

هر کس شفاعت پسندیده کند برای وی  
از آن نصیبی خواهد بود و هر کس شفاعت  
ناپسندیده کند برای او از آن (نیز) سهمی  
خواهد بود و خدا همواره به هر چیزی تواناست.

سوره نساء آیه ۸۵

در رابطه به قانون مراسم تعزیت داری

● تتبع و نگارش: فیض الله خواجه امانی

## امضای تفاهم نامه میان وزارت عدلیه و سفارت امریکا

● گزارشگر: بشیر احمد عزیز

نموده و ضمن توضیح وضعیت اطفال در مراکز اصلاح، به منظور رسیده‌گی هر چه بهتر به آنها، خواست‌های زیر را مطرح نمود:  
- در زمینه‌ی بدیل‌های حجز کمک صورت بگیرد.  
- ضرورت است تا تعمیرهای مراکز اصلاح و تربیت اطفال در ولایات ساخته شود.  
- مسؤلان مراکز اصلاح و تربیت اطفال افغانستان به منظور دیدار و مطالعه‌ی مراکز اطفال متخلف از قانون ایالات متحده آمریکا، سفر نمایند و یا زمینه دیدار برای مسؤلان مراکز اصلاح در کشورهایی که با افغانستان همکاری دارند، فراهم گردد.  
با این وضع، آقای رابلی معاون سفیر آمریکا در کابل از این خواست‌ها استقبال نموده و اطمینان داد که با همکاری‌شان این خواست‌ها را بررسی می‌کنند. آقای رابلی اضافه کرد که قلباً آماده همکاری با اطفال مراکز اصلاح است.

محمد قاسم حلیمی معین امور مسلکی و سید محمد هاشمی معین مالی و اداری وزارت عدلیه ج.ا.ا. با ریچارد اچ رابلی معاون سفارت آمریکا در کابل و هیأت همراه شان تفاهم‌نامه‌ی را به امضاء رساندند.  
۲۹ اسد ۱۳۹۶

این تفاهم‌نامه به منظور کمک ۱۰ عراده موتر نوع هایلکس برای مراکز اصلاح و تربیت اطفال در ولایات، امضاء گردید.

آقای حلیمی در دیداری که به این مناسبت انجام شد، می‌گوید: در حال حاضر حدود ۸۰۰ طفل در مراکز اصلاح و تربیت اطفال گذاشته ایم، چون اگر زندان گفته شود، روی روان این اطفال تأثیر منفی می‌گذارد؛ ما برای اصلاح این اطفال کار می‌کنیم. امیدوارم دست به دست هم داده و آینده این اطفال را شگوفاییم تا به گونه سالم به جامعه تقدیم شوند. هم‌چنان معین امور مسلکی از کمک‌های ایالات متحده آمریکا ابراز سپاس و امتنان نموده و گفت که به زودی وضعیت اطفال در مرکز اصلاح کابل را از نزدیک بررسی می‌کند.

در همین حال، آقای هاشمی هم‌چنان از کمک‌های ایالات متحده آمریکا سپاس‌گزاری

قانون تعزیت داری که به تاسی از حکم فقره (۱۶) ماده (۶۴) قانون اساسی افغانستان ذریعه فرمان شماره (۷۵) تاریخ ۱۳۹۳/۲۳/۱۲ رئیس جمهور اسلامی افغانستان توشیح گردیده دارای (۴) فصل و (۲۱) ماده می‌باشد که در برگزیده موضوعات چون تکفین و تدفین میت، مکلفیت‌های ادارات دولتی مانند وزارت ارشاد، حج و اوقاف، وزارت اطلاعات و فرهنگ و مکلفیت‌های شورایی و سایر موضوعات چون تنظیم امور قبرستان و برگزاری مراسم ادیان را در بر دارد. درین نوشتار سعی میشود تا ماده‌های قانون مذکور از دیدگاه شریعت به بررسی گرفته شده به شرح مختصر ماده‌های مذکور پرداخته میشود.

### اهداف قانون تعزیت داری:

قانون تعزیت داری روی اهداف ذیل وضع گردیده است:

۱- جلوگیری از رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام در رابطه به مراسم تعزیت داری.  
۲- جلوگیری از اسراف و مصارف غیر ضروری در مراسم تعزیت داری.

۳- حمایت از ترویج ثقافت اسلامی، ارزش‌ها و سنن پسندیده در رابطه به مراسم تعزیت داری.

البته نا گفته نباید گذاشت که در مورد برگزاری مراسم تعزیت داری در شریعت احکام، خاص وجود دارد که باید مراعات شود اما متأسفانه در کشور ما رسم و رواجی که از سابق مانده بیشتر اجرا شده چندان توجه به احکام شریعت نمی‌کنند. مثلاً در بعضی جاها مراسم تعزیت داری تا سه روز ادامه داشته همه اقوام و خویشاوندان مرده در جمع شده تا سه روز در محفل اشتراک می‌کنند.

مراسم تعزیت داری در بعضی از نقاط کشور یکروز می‌باشد و در بعضی نقاط کشور مراسم تا سه روز بر گزار می‌گردد، که در آن جزء فامیل مرده در اوچند نفر از علمای منطقه که آیت کلام الله مجید را قرائت میکنند و بس دیگر کسی از خویشاوندان عزادار در مراسم اشتراک نمی‌کند.

در بعضی از نقاط کشور مراسم تعزیت داری حتی تا یکسال ادامه می‌یابد هر کس که از مسافرت یا از یک جای می‌آید به خانه مرده دار می‌رود تا ادای تسلیت کند. در حالیکه بیشتر از سه روز تعزیت داری جواز نداشته جز اینکه تکلیف برای فامیل داغدار خلق کنند و مانع اجرای کار و بار شان شوند دیگر کدام نتیجه ندارد. از جانب دیگر خیر و خیرات و صدقات با مصرف گزاف و پرهزینه صورت می‌گیرد البته کسیکه پول دارد و میتواند که خیر و خیرات را بکند کدام مشکل ندارد اما بد بخت کسی میشود که پول مصرف را ندارد اما عین خیر و خیرات را میکند که گویا خود را از سیال خود پس مانده باشد. درینصورت مجبور میشود تا پول را قرض کند یا زمین و خانه خود را فرو نماید.

البته قانون مذکور بخاطر محو رسم و رواج‌های غیر اسلامی و تحکیم احکام شریعت و جاگزین ساختن سنن پسندیده وضع شده است تا از همچو اعمال که بیشتر جنبه رسم و رواج دارد جلوگیری شود.

### تکفین، تجهیز و تدفین میت:

در رابطه به تکفین، تجهیز و تدفین میت در ماده چهارم قانون مراسم تعزیت داری چنین آمده:

" (۱) - متوفی به مرگ طبیعی بعد غسل، تکفین، تجهیز و ادای نماز جنازه به طریق مستونه دفن میگردد.

(۲) - تا خیر در دفن متوفی جواز ندارد.

در رابطه به موضوع، احادیث از پیغمبر اکرم (ص) وجود دارد که متن آن چنین است: عن ابی هریره رضی الله عنه عن النبی (ص) قال: "سرعوا بالجنازة، فان تک سالحة، فخیبر تَقْدُمُونَهَا إِلَیْهِ، وَاِنْ تَكَّ سَوَى ذَٰلِکَ، فَشَرِّصْغَوْهُ عَن رِقَابِکُمْ" متفق علیه

ترجمه: از ابو هریره (رض) روایت است که پیامبر (ص) فرمود: در بردن جنازه شتاب کنید، زیرا اگر نیکو کار باشد پس خیر است که او را بسوی آن پیش می‌کنید و اگر جز این باشد پس شریعت است که از گردنهای تان می‌نهد.

ادامه در صفحه ۲



## تحصیل حق طبیعی زنان

● تتبع و نگارش: لردانه فضایی

دختران در جوامع سنتی از دستیابی به توانایی‌های خود محروم می‌مانند زیرا در جوامع مذکور آموزش و پرورش دختران یک اولویت به شمار نمی‌آید. هزینه‌های مدارس و نگرانی‌های در رابطه با امنیت دختران در مدارس وجود دارد نیز مانع از تحصیل آنها می‌شوند.

ولی به جهت وجود شواهد بی‌شمار مبنی بر این که دختران تحصیل کرده برای جامعه مفید هستند و همچنان به خاطر تمرکز بین المللی بر آموزش و پرورش سراسری دختران اندک اندک بر این موانع غالب می‌شوند.

کمتر سرمایه‌گذاری‌های هستند که به اندازه آموزش و پرورش دختران باز دهی داشته باشند. نظر سنجی‌های خانوارها در کشورهای در حال توسعه بطور مداوم نشان می‌دهند که زنانی که دارای تحصیلات بیشتری هستند دارای خانواده‌های مرفه، کوچکتر، سالمتر و تحصیلکرده تر هستند.

بانک جهانی گزارش می‌دهد که آموزش سبب افزایش دست مزد زنان شده و به رشد اقتصادی سریع تر می‌انجامد زمانیکه زنان در آمد بیشتری داشته باشند رفاه خانواده بهبود یافته و موارد کمتر مبتلا به انواع بیماری‌های فیزیکی و رفتارها زیانبار می‌باشند.

فقیرترین کشورها پایین ترین آمار تحصیل دختران را دارند مبنی بر اعلام سازمان یونسکو.

در کشورهای با تعداد بالای دانش آموزان دختر، دختران موفق ترین آنان محسوب شده اند مانند آمریکا، اروپا... در آمریکا نام نویسی دختران در مقاطع آموزش متوسطه و دانشگاه از پسران هم دوره آنها پیشی گرفته است که این امر نشان می‌دهد اگر به دختران فرصت داده شود

## دین المللی اسناد له نظره عادلانه محاکمه

تتبع و نگارش: محمدعارف صباح

په ټولنو کی د قضا آزادی او عادلانه محاکمه د ټولنیز عدالت او بشري حقونو د رعایت لپاره یوه بیندای مسله ده او د اهمیت اوځانگریټیو له مخی زیات شمیر اسناد شته چه په هکله یی دولتونه مکلف شوی تر څو د دغه سندونو احکام په ټولنو کی عملی او رعایت کړی د دی لپاره چی یوه محکمه عادلانه وی لازمه ده چه قانونی یعنی د قانون د حکم په اساس جوړه او د قضایاو په وړاندی د رسیدگی صلاحیت لرونکی وی څرنګه چی مدنی سیاسی بین المللی حقونو د قرارداد ۱۴ ماده کی وییل شوی .

( هغه محکمه چی دعوا آوری باید د قانون له مخی جوړه او د حکم په وړاندی آزاده او د نورو لخوا د تاثیر څخه پاکه مصونه محفوظه وي او د دعوی له اړخونو سره تبعیضی ګړنی ونشی . په بی طرفه توګه برخورد وشي او په ښه شان سره برابر مساویانه عدالت ته د لاسرسی وجه پیدا او عدالت تامین شی غواړم په عامه ټوګه په محکمو کی د دعوا د دواړه اړخونو د مهمو حقونو په هکله لنډ بحث وکړم

• د قانون په وړاندی د برابری حق  
• د محکمو په وړاندی د برابری حق  
• محکمو ته د لاسرسی برابر حق  
• د محکمو لخوا د ښه برخورد برابر حق

۱- د قانون په وړاندی د برابری حق:  
د بشر د حقونو جهانی اعلامیه اومه ماده او د مدنی سیاسی بین المللی حقونو ۲۶ ماده داسی وړاندی وینه کړی (د قانون په وړاندی ټول خلک برابر حق لری تر څو د تبعیض پرته د دوی د حقونو ساتنه وشي او هر ډول تبعیض د خلکو په وړاندی منع شوی ده)

۲- د محکمو په وړاندی د مساوات حق:  
د محکمو او قضایانو په وړاندی ټول خلک د برابری او مساوات حق لرونکی دی د بین المللی مدنی حقونو ۱۱۴ قرارداد او د نژاد پرستی او د ښځو په وړاندی د تبعیض د منع کنواسیونونه او د ۱۵ ماده دا سی صراحت لری ( د ټولو خلکو په وړاندی باید عادی یا برابر ګړنی وشي څرنګه چی په یو ځای کی حقایق مشابه وی د قضا د سیستم ځواب هم باید مشابه وی که چیری فیصله او محاکمه تبعیضی وی دا به د برابری د حق په وړاندی یو تخلف وی څرنګه چی د پیګنک اعلامیه دا موضوع د حکومتونو لپاره د استراتیژیک هدف په شان ځانګړی کړی ده تر څو برابر او نه تبعیض په قانون او عمل کی پلی شي او په عدلی نظام کی د تبعیض په لری کولو باور رامینځته شی پدی ډول سره د دعوا خواوی د حقوقی مشاور درلودو ، د مدافع وکیل د ترجمان دنیولو حق ، د علنی قضاوت حق او د مرافعه غوښتنی حق لرونکی دی تر څو د محاکمه په حال کی قانونیت بی طرفی عملی شی په اخر کی ټول جهانی اسناد د قضا آزادی، بی طرفی، قضای وحدت، قضای اداب، برابری او اهلیت په هکله معلوم او واضح سندونه شمیرل کیږی.

حدیث دیگری از پیامبر اکرم روایت شده که متن آن قرار ذیل است: وعن ابی سعید الخدری (رض) قال : کان النبی (ص) یقول : " اِذَا وُضِعَتِ الْجَنَازَةُ ، فَاحْتَمَلَهَا الرَّجَالُ عَلٰی اَعْتَاْقِهِمْ ، فَاِنْ كَانَتْ صَالِحَةً ، قَالَتْ : قَدُمُونِيْ ، وَاِنْ كَانَتْ غَيْرَ صَالِحَةٍ ، قَالَتْ لِاَهْلِهَا : يَا وَايِلَهَا اَيْنَ تَذْهَبُوْنَ بِهَا؟ يَسْمَعُ صَوْتَهَا كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْاِنْسَانِ ، وَلَوْ سَمِعَ الْاِنْسَانُ لَصِغِقَ " رواه البخاری

ترجمه : از ابو سعید الخدری (رض) روایت است که پیامبر اکرم (ص) می فرمود : "چون جنازه گذاشته شود مردان آن را بر گردنهای خود بر دارند. اگر صالح باشد می گوید: پیشم برید، و اگر غیر صالح باشد می اهلس می گوید: وای بر آن باد، او را به کجا می برید؟ هر چیز صدای آن را بجز انسان می شنود و اگر انسان آن را بشنود بیهوش میگردد.

در رابطه به تیزی کردن در تکفین و تجهیز میت از حضرت حصین بن وحوح (رض) روایت است که طلعه بن براء بیمار شد رسول الله (ص) بیعت وی رفت و حالت او را مشاهده کرد برای مردم فرمود من حس می کنم که وقت مرگ این نزدیک است اگر او وفات کرد من را خبر دهید، و در تجهیز و تکفین وی تیزی نمائید زیرا که از برای مسلمان مناسب نیست که جنازه او در خانه درپیش اهل خانه افتیده باشد.

از حضرت عبدالله بن عمر (رض) روایت است که من از رسول الله شنیدم که فرمود: از شما کسی میبرد در خانه زیاد نگاه نکند و به تیزی به قبر رسانیده و دفن نمائید.

البته در بخش دوم ماده مذکور تذکر داده شده که : حالات مشبوهیت اسباب وفات (اشتباه قتل یا خود کشی ) عدم موجودیت فرصت کافی به منظور تجهیز، تکفین و تدفین از این حکم مستثنی است.

بدین ترتیب در فقره (۶) ماده چهارم قانون مذکور تذکر داده شده که : " زدن بر سر و روی و بدن و خراشیدن رخسار، پاره کردن لباس و سایر امور که در شریعت جواز ندارد، در مرگ شخص ممنوع می باشد.

پیرامون موضوع حدیث از حضرت پیامبر اکرم را نقل میکنیم : عن عبدالله قال: قال رسول الله (ص) :

لیس منا من ضرب الخدود، او شق الجيوب او دعا بدعوی اهل الجاهلیه. " اخرجہ البخاری ومسلم .

ترجمه : نیست از امت من، کسیکه بالای میت لباس خود را پاره، خود را لت و کوب نماید و یا آواز خوانی جاهلی نماید.

اگر کسی در وقت مرگ دوستانش صبر کند و گریه آرام داشته باشد مستحق اجر و ثواب میباشد. چنانچه حدیث از پیامبر اکرم در زمینه به نقل شده است : " عن عمرو، مولى المطلب، عن انس بن مالک، قال: سمعت النبی (ص) یقول: ان الله قال: اذابتلیت عبدی ببجیبتیه، فصر، عوضته منهما الجنة " اخرجہ احمد.

ترجمه : من بنده خود را به گرفتن محبوبانش (چه اعضای بدن و چه اعضای فامیل باشد ) امتحان میکنم اگر صبر کند در عوض آن جنت را برایش میدهم .

بدین سان در فقره (۷) ماده چهارم قانون مراسم تعزیت داری تذکر داده شده که : " انتقال و دفن میت از منطقه که فوت نموده به منطقه دیگر جزء براساس وصیت یا ضرورت جواز ندارد.

مسئله انتقال میت از یک شهر به شهر دیگر در کتاب تحت عنوان (احکام میت ) بدین شرح آورده شده است : " یک رواج عام آنکه اگر کسی در خارج وطنش فوت شود آنرا در آنجا دفن نکنند، بلکه بوطن خود و دفن نموند آنرا در وطن خود ضروری میدانند پول هوا پیمای و دیگر مصارف را متقبل میشوند این از حد شرعی افزود است . مستحب آنست که در همان جای که فوت شده در همان جا دفن شود و انتقال از یک شهر به شهر دیگر خصوصاً که از دومیل بیشتر باشد جایز نیست. بعد از دفن کردن دوباره کنند به هر حالت جایز نیست."

همچنان در جلد دوم کتاب احکام جنازه تالیف مولوی ولی الله لیبیب پیرامون انتقال میت از یک جای به جای دیگر تذکر داده شده که اگر کسی در جای فوت کند، اگر در همان مکان، در صورت مساعد بودن شرایط دفن شود بهتر است.

در اینجا سوالی خلق شده که منظور از شرایط چه است ؟

در جواب گفته شده که منظور از شرایط اینست که در قبرستان مسلمانان دفن شود.

ادامه دارد...

الف. حق اشتغال

اسلام به زن حق اشتغال و حق مالکیت و تحصیل ثروت داده است و به مرد حق نداده در ثروت متعلق به زن تصرف کند.

سوره نساء آیه ۳۲ و ۷ .

زن مانند مرد دارای ذوق، فکر، فهم، هوش و استعداد کار است، این استعدادها را خدا به او داده است و حکیمانانه است که باید به ثمر برسد. از آنجا که هر استعداد طبیعی، دلیل یک حق طبیعی است، پس اشتغال زن حق است که خدای متعال بآنان ارزانی داشته است و محروم ساختن او از این حق خلاف عدالت و آفرینش است، نه تنها ستم به زن است، بلکه خیانت به اجتماع نیز می باشد، زیرا هر چیزی که سبب شود قوای طبیعی و خدادادی انسان معطل و بی اثر ماند به زیان اجتماع است.

اسلام هرگز نمی خواهد زن، بیکار و موجودی بی ثمر بارآیدکار زن متعلق به خود اوست زن اگر مایل باشد، کاری که در خانه وی واگذار شود مجاناً و تبرعاً انجام می دهد و اگر نخواهد، مرد حق ندارد او را مجبور به انجام کار کند. حتی در شیر دادن به طفل با اینکه زن یعنی مادر اولویت دارد، اولویت او موجب سقوط حق اجرت او نیست، فقط در صورتی که زن یعنی مادر طفل مبلغ بیشتری مطالبه کند مرد حق دارد طفل را به دایه ای که اجرت کمتری می گیرد بسپارد.

کارزنان اختصاصی به حوزه درون خانه ندارد، بلکه زن می تواند هر نوع کاری که فاسدکننده خانواده و مزاحم حقوق ناشی از ازدواج و شوهرداری نباشد برای خود انتخاب کند و درآمدش هم منحصرأ به خود او تعلق دارد.

ناگفته نماند که بعضی دانشمندان بر این نظر نیستند که وظیفه زن، فقط مادری و خانه داری است؛ بلکه مقصود آنان این است که لزومی ندارد زن الزاماً به درون خانه رانده شود و پرده نشین باشد در این قسمت برخی از حقوق دانان سه مسأله را مطرح نموده اند:

۱- اصل حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی و اشتغال آنان.

۲- حوزه حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی و اشتغال آنان که باید متناسب با ویژگیهای جسمی و روحی باشد.

۳- نحوه حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی و اشتغال که باید سالم و بدون آفت باشد.

اسلام، ساز و کارهایی را برای این مسأله اندیشیده است و از جمله آنها می توان به پوشش اسلامی بانوان و کسب اجازه از همسران اشاره کرد.

یکی از ایرادهایی که به حجاب اسلامی می گیرند این است که حجاب مانع اشتغال زنان و باعث رکود و تعطیل فعالیت های زنان می گردد. پاسخ آن است که مبنای حجاب در اسلام این است که التذاذات جنسی باید به محیط خانوادگی و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع، خالص

## تحصیل حق طبیعی زنان

درد زن را از کار معینی منع کند. البته مرد هم باید در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد نه بیشتر. گاهی ممکن است رفت و آمد زن به خانه اقوام و فامیل حتی خانه مادرش برخلاف مصلحت خانوادگی باشد، برای مثال خواهر یا برادر او فرد مفسد و فتنه انگیزی است که زن را ضد مصالح خانوادگی تحریک می کند و زن پس از برگشت به منزل بهانه گیری می کند و با ایجاد ناراحتی در خانه، زندگی را تلخ و غیرقابل تحمل می سازد. در چنین مواردی شوهر حق دارد که از این معاشرت های زیانبخش که زیانش متوجه همه اعضای خانواده اعم از مرد، زن و فرزندانشان می شود جلوگیری کند. ولی در مسائلی که مربوط به مصالح خانواده نیست، دخالت مرد توجیه شرعی ندارد. پیش از این گفتیم زن می تواند هر نوع شغلی برای خود انتخاب کند مشروط به اینکه مایه فساد برای خانواده و یامزاحم حقوق همسر نباشد. .

در ادامه، یادآوری نکات ذیل که از سوی دانشمندان حقوق ارایه شده است خالی از سودمندی نخواهد بود: وظیفه اول زن، مادری و خانه داری است و اشتغال زن نباید با این وظیفه مهم مزاحمت داشته باشد.

در این بحث، منظور اندیشمندان حقوق آن نوع کار اجتماعی ایست که حیثیت و شرافت یک زن با توجه به شریعت اسلامی حفظ شده کار در شان وی باشد.

حق فعالیت های فرهنگی اجتماعی: اسلام با فعالیت واقعی اجتماعی و فرهنگی زن هرگز مخالف نیست و متون و تاریخ اسلام گواه آن است. اسلام مخالف فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای او و محروم ساختن او از فعالیت های فرهنگی و اجتماعی نیست. اسلام نه می گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه منکر حق تحصیل علم و دانش او است و نه فعالیت اقتصادی یا اجتماعی را برای زنتحریم می کند.

شرکت زن در مجامع: اسلام با همه توجهی که به پایی روابط جنسی میان زن و مرد و حفظ عفاف دارد، به عنوان يك آیین معتدل و متعادل از جنبه های دیگر غفلت نمی ورزد و زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی کند. زنان مسلمان می توانند در حج، جهاد دفاعی، نماز جمعه و نماز عید فطر و قربان، بیعت با ولی امر مسلمین، و... شرکت نمایند. چنان که می دانیم جهاد بر زنان واجب نیست مگر وقتی که شهر و حوزه مسلمانان مورد حمله واقع شود و جنبه

صددرد دفاعی به خود بگیرد. در غیر این صورت واجب نیست. با وجود این، رسول خدا صلی الله علیه و آله به برخی از زنان اجازه می داد که در جنگها برای کمک به سربازان و مجروحان شرکت کنند. حق مشارکت سیاسی در غرب در پایان

برای کار و فعالیت باشد و به همین دلیل به زن اجازه نمی دهد که هنگام خروج از منزل، موجبات گناه را فراهم کند و به مرد هم اجازه چشم چرانی نمی دهد. چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی کند بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می گردد. این ایراد بر حجاب نوع هندی یا یهودی یا ایران باستان وارد است؛ در حالی که حجاب اسلامی هیچ گاه حکم به حبس زن در خانه نمی دهد تا جامعه را از وجود و استعدادهای او محروم سازد، بلکه حدودی را تعیین می کند که زن با عمل به آن حدود، از چشم چرانی و فساد اخلاقی مردان در امان باشد و خود نیز با وقار در عرصه اجتماع ظاهر شود.

نکته عجیب آن است که مخالفان حجاب به بهانه اینکه حجاب نیمی از افراد جامعه را فلج می کند با ترویج بی حجابی و فساد و بی بند و باری نیروی تمام افراد جامعه را فلج می کند.

نتیجه این می شود که در جوامع اسلامی ، فقط در قریه ها و خانواده های بسیار متدین، زنان با لباس ساده در اجتماع ظاهر می شوند و به فعالیت اقتصادی مفید می پردازند، و گرنه سایر زنان برای خودآرایی و آرایش، جز استهلاک ثروت و وقت و فاسد کردن اخلاق اجتماعی و خانواده، کار دیگری نمی کنند و عده ای جاهل، نام این را فعالیت اجتماعی و آزادی زن می گذارند.

ب- کسب اجازه زن برای خروج از منزل و حق اشتغال:

یکی از ایرادهایی که بر حقوق زن در اسلام می گیرند وجود محدودیت هایی برای زن در اصل حضور در جامعه و یا نحوه حضور است. اینکه زن برای خروج از منزل نیاز به اجازه شوهر داشته باشد، با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی و حقوق خدادادی زن منافات دارد. می گویند چگونه ممکن است برای زن حق اشتغال و استقلال اقتصادی قایل شد، با وجود آن این محدودیت ها را قابل توجیه دانست؟

پاسخ آن است که صرف بیرون رفتن زن از خانه یا خرید و فروش توسط زن در فروشگاه اگرچه فروشنده یا خریدار مرد باشد و یا شرکت کردن زن در مجالس و اجتماعات، حرام و ممنوع نیست، چنانکه در مساجد و مجالس مذهبی و پای منبرها شرکت می کنند. چه کسی گفته که تحصیل زن، فن و هنرآموزی زن و شکوفایی استعدادهایی که خداوند در وجود او نهاده، حرام است؟! آنچه که مهم است رعایت پوشش اسلامی به گونه ای که بیرون رفتن به صورت خودنمایی نباشد.

رعایت مصلحت خانوادگی ایجاب می کند خارج شدن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی او باشد. این بدان جهت است که از نظر اسلام مرد رئیس خانواده است. بنابراین در حدودی که مرد مصالح خانوادگی را در نظر می گیرد حق

تبع و نگارش: دردانه فضایی

قرن بیستم و شروع قرن بیست و یکم مطرح شد در حالی که اسلام بیش از چهارده قرن پیش این حق را برای زنان به رسمیت شناخت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زنان بیعت گرفت ولی با آنان مصافحه نکرد، دستور داد ظرف آب آوردند، دست خود را در آن فرو برد و دستور داد زنان دست خویش در آب فرو برند، و همین را بیعت شمرد.

فقه اسلامی، تاریخ و همچنین روایات بیانگر نمونه های مختلف از حضور اجتماعی زنان مسلمان است.

باید بکشیم در فعالیت های فرهنگی و اجتماعی، واحدهای اختصاصی برای زنان به وجود آوریم . تنها در این صورت است که زنان شخصیت واقعی خود را بازخواهند یافت و به نام آزادی و مساوات، ابزار و بازپچه و احیاناً وسیله اطفای شهوات مردان قرار نخواهند گرفت.

نا گفته نباید گذاشت کمال اصلی انسان «تقرب الی الله» است. تحصیل یکوسیله و ابزار است برای رسیدن به کمال انسانی.

یعنی یکی از راه هایی است که می توان از آن در مسیر کمال سود جست و چه بساگاهی تحصیل در مسیر انحطاط نیز به کار گرفته می شود. البته مقداری از دانش برای هر انسانی ضرورت دارد و بدون آن پیمودن راه کمال نهایی مقدر نیست. از این رو آنچه در این زمینه ضروری استو فقدان آن موجب خسران خواهد شد، در اسلام واجب شمرده شده است و زن در این مسئله نیاز به اجازه دیگری مانند شوهر ندارد و در مواردی که خروج از خانه نیز واجب باشد مانند انجام حج واجب، یادگیری و احکام واجب نیازی به اجازه نیست.

چنان که گفته شد حق تحصیل علم، در همه موارد وابسته به رضایت شوهر نیست، بلکه رضایت شوهر در بخشی از امور غیر الزامی است.

شوهر حق منع از تحصیل ندارد، بلکه آنچه را می تواند منع کند خروج از منزل در غیر موارد لزوم است. بنابراین اگر کسی بتواند به هر وسیله، در داخل خانه به مطالعه و تحصیل پردازد، به گونه ای که موجب ضایع شدن حقوق واجب شوهر نشود، بلامانع است و شوهر حق بازداشتن زن را در این مورد ندارد.

زن می تواند به صورت شرط ضمن عقد از شوهر حق تحصیل در خارج از منزل و یا جواز خروج از منزل به صورت مطلق و یا مقید را بکند، همان طور که هر شرط مشروع دیگری را می تواند بگنجاند.

منابع وماخذ :

قران کریم

احادیث نبوی

نظام حقوق زن شهید مطهری

انترنت



## دیدار وزیر عدلیه با رئیس بخش محافظت از اطفال یونیسف

گزارشگر: بشیر احمد عزیز



جلالتمآب دکتر عبدالصیر انور وزیر عدلیه ج.ا.ا با خانم تاتاناکولن، رئیس بخش محافظت از اطفال یونیسف در افغانستان، دیدار و گفتگو کرد.

۱۹ سنبله ۱۳۹۶

در این دیدار دو طرف پیرامون ترمیم مرکز اصلاح و تربیت اطفال کابل و تهیه اجناس و لوازم مورد ضرورت اطفال در مراکز اصلاح و تربیت اطفال، بحث و تبادل نظر نمودند.

خانم کولن، رئیس بخش محافظت از اطفال یونیسف در افغانستان گفت که به اساس توافق صورت گرفته میان وزارت عدلیه و اداره یونیسف، کار ترمیم دو ساختمان مرکز اصلاح و تربیت اطفال کابل تکمیل و آماده بهره برداری می‌باشد.

وی هم‌چنان گفت که اداره یونیسف به ارزش (۵۰۰۰۰) دالر وسایل و اجناس مورد ضرورت مراکز اصلاح و تربیت اطفال و زندان بگرام را به مرکز اصلاح و تربیت اطفال کابل انتقال داده است.

این وسایل و اجناس شامل ۱۰۰ پایه چپرکت فلزی دو منزله، ۲۰۰ تخته دوشک اسفنجی، ۲۰۰ تخته کمپل، ۲۰۰ دانه بالش، ۱۲۵۳ متر فرش و برخی دیگر از وسایل مورد ضرورت مراکز اصلاح می‌باشد.

وزیر عدلیه از همکاری‌های اداره یونیسف با این وزارت ابراز سپاس و قدردانی نموده و خواهان همکاری‌های بیشترشان با این وزارت گردید.

## آزار و اذیت زنان در محلات عامه

تتبع و نگارش: گلالی سنگرخیل عزیز

زنان در تمامی عرصه‌های زندگی به خصوص در محلات عامه با انواع و اشکال مختلف مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. این پدیده شوم (آزار و اذیت) در کشور ما پیشینه تاریخی داشته و یکی از معضلات عمده جامعه ما محسوب می‌شود. که باعث عدم اشتراک زنان بطور فعال در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور می‌گردد.

یکی از ضرورت‌های عمده جامعه داشت محیط مصون، نظم و امن عامه، عاری از خشونت، آزار و اذیت می‌باشد. تا مردم بتواند با آرامش خاطر و حفظ حقوق اش زندگی را پیش برند.

خوشبختانه امروز با حمایت قانون، زنان می‌توانند سهم فعال خود را در تمامی عرصه‌های زندگی چه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشند. و در صورت معروض به خشونت، آزار و اذیت در محلات عامه می‌توانند خودش و یا یکی از اقارب وی به ادارات پولیس و حقوق، محاکم یا سایر مراجع ذیربط طورکتبی شکایت نمایند.

چنانچه ماده پنجم مقرر آزار و اذیت در مورد ذیل صراحت دارد:

(۱) هرگاه زن در محلات عامه مورد آزار و اذیت قرار گیرد. می‌تواند به نزدیکترین مرجع امنیتی شکایت نماید.

(۲) پولیس مکلف است در صورت موجودیت دلایل وشواهد، شکایت را مورد رسیدگی قرار دهد.

قبل از بحث در موضوع لازم است تا در مورد اصطلاحات زیر که در ماده ۲ قانون پولیس آمده تذکر داده شود:

### محلات عامه :

"عبارت از شاهراه، پارک عمومی، باغ عمومی، کنار ویست دریا، پل عمومی، سرک پیاده رو، محوطه، کوچه، خیابان، معبر بشکل کوچه تنگی بازار یا مسدود و یا میدان وساحه مماثل را احتوای کند که هر شخص در آن حق ورود داشته باشد."

نظم عامه:

آرامش اجتماعی است که طبق احکام قانون توسط پولیس تأمین می‌گردد.

امن عامه:

حالتی است که در آن نظام حقوقی دولت، آزادی، قانون فردی واجتماع، کرامت انسانی، سلامت جسمی ومالی مردم حفظ می‌گردد.

پولیس:

ماده دوم قانون پولیس : پولیس را ذیل تعریف کرده است:

پولیس شامل افسر، ساتمنن وساتونکی بوده که در تشکیل وزارت امور داخله استخدام و جهت تأمین نظم وامن عامه طبق احکام قانون فعالیت می‌نماید.

ازاینکه فقره (۲) ماده پنجم مقرر آزار و اذیت، پولیس را در صورت موجودیت دلایل وشواهد مکلف به بررسی قضیه آزار و اذیت می‌دارد.

پولیس وظایف خود را در مرکز تحت رهبری وزیر امور داخله و در ولایات وولسوالی ها تحت اثر والی و ولسوال مربوط انجام می‌دهد.

همچنان مطابق حکم ماده ۱۳ قانون منع خشونت علیه زن، وزارت امور داخله مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت در تمام محلات عامه تدابیر وقایوی و حمایتی را اتخاذ و عملی نماید.

فلذا مطابق حکم فقره ۱۸ ماده پنجم قانون پولیس، پولیس به عنوان مامور ضبط قضایی برطبق قانون وظایف ذیل را به عهده دارد :

- کشف جرایم وجلو گیری از وقوع آن.

- حفظ ونگهداشت شواهد، دلایل ومدارک جرمی.

- دستگیری مظنونین ومرتکبین وجلوگیری از فرار ومخفی شدن آنها طبق قانون.

- اجرای وظایف به نحو یکه سبب تشخیص ودر یافت مسلکی جرایم شود.

- پولیس در تحقیقات جرایم با سارنوالی ودیگر ادارات عدلی مطابق به قانون اجرائت جزایی وسایر قوانین نافذه کشور همکاری می‌نماید.

- پولیس فعالیت های تحت پوشش خود را به منظور مبارزه علیه مواد مخدر، فساد وشناسایی شبکه های جرمی در تفاهم با سارنوالی انجام می‌دهد.

پولیس به منظور تأمین نظم وامن عامه طبق حکم ماده ۵ قانون پولیس دارای یک سلسله وظایف ومکلفیت ها می‌باشد که از جمله بعضی از آن را یاد آور می‌گردیم :

۱- تأمین وحفظ و نظم وامن عامه.

۲- تأمین امنیت فرد واجتماع وحراست از حقوق وآزادی های قانونی آنها.

۳- اتخاذ تدابیر وقایوی جهت جلوگیری از وقوع جرایم.

۴- کشف به موقع جرایم وگرفتاری مظنونین ومرتکبین مطابق احکام قانون.

۵- مبارزه با انحرافات اخلاقی، مفاسد اجتماعی واعمالیکه آسایش عامه را اخلال می‌نماید.

۶- محافظت از ملکیت ودارایی های دولتی وخصوصی، موسسات وسازمان های داخلی وخارجی وبین المللی.

## حقوق طفل

### حق نگهداری یا حضانت طفل:

کلمه حضانت واژه عربی الاصل است که در لغت به معنای در آغوش گرفتن و پرورش دادن طفل آمده است. معنای لغوی حضانت و تعریف اصطلاحی آن نیز نزدیک به نظر می‌رسد که وجه اشتراک آن بیشتر در نگهداری، تربیه و پرورش طفل مشاهده می‌شود.

نگهداری و حضانت طفل یکی از حقوق عمده و اساسی اطفال محسوب شده و در فرائز کشورهای جهان مورد توجه صاحب نظران ، مصلحان جامعه و قانونگذاران قرار گرفته است. بسیاری از جوامع قوانین و مقرراتی را در راستای حمایت ، پرورش و حفاظت اطفال در برابر آسیبهای مادی و معنوی پیش بینی نموده است . این موضوع در افغانستان نیز مورد توجه قانونگذاران واقع شده و حضانت طفل را در ماده ۲۳۶ قانون مدنی ذیل تعریف نموده است:

"(۱) حضانت عبارت از حفاظت و پرورش طفل است در مدتی که طفل به حفاظت و پرورش زن محتاج باشد.

(۲) حضانت حق اشخاصی است که به اساس این قانون تنظیم گردیده است."

کلمه حضانت در لغت به معنای در کنار گرفتن کودک، پرورش دادن و پروریدن کودک است. در قاموس اصطلاحات حقوقی حضانت چنین بیان شده است: "حق نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون تعیین کرده باشد."

از تعریف حضانت در قانون مدنی و قاموس اصطلاحات حقوقی این امر استنباط می‌شود که هدف از تربیت مادی و معنوی در حقیقت فزیک و روحی طفل است . حفاظت و نگهداری بیشتر حمایت جسمی و فزیک کودک را در بر گرفته و منظور از آن مراقبت ، مواظبت ، نگهداشت و تنظیم سایر امورات طفل می‌باشد. اما پرورش توجه به مسایل روحی و روانی کودک دارد.

حق اولویت مادر نسبی برای نگهداری طفل: قانون مدنی کشور در ماده ۲۳۷ در مورد اولویت مادر نسبی برای حضانت طفل نسبت به سایر اقارب و اشخاص قرار ذیل تصریح

### تتبع و نگارش: دردانه فضایی

نموده است: "مادر نسبی در خلال زوجیت و بعد از تفریق به حفاظت و پرورش طفل حق اولویت دارد. مشروط به اینکه واجد شرایط اهلیت حضانت باشد."

با توجه به ماده فوق الذکر قانون مدنی در درجه اول مادر نسبی طفل را مستحق حضانت وی شمرده است. زیر این حق طبیعی و قانونی مادری است که طفل را به دنیا آورده است.

قانون گذار حق اولویت حضانت طفل را در دو مرحله از حیات وی به مادر نسبی اعطاء نموده است اولاً در خلال زوجیت و ثانیاً در موقع انحلال زوجیت در صورتیکه مادر نسبی اهلیت حضانت را دارا باشد. چرا که مادر نسبی طفل

مهربانتر و مسولیت پذیرتر است در ماده ۲۳۸ قانون مدنی کشور مطالعه می‌کنیم که شرایط حضانت طفل را قرار ذیل بیان نموده است: "زنی که حضانت طفل را به عهده می‌گیرد باید عاقله ، بالغه و امینه بوده که خوف ضیاع طفل نسبت عدم واری وی متصور نباشد و توان حفاظت و پرورش طفل را داشته باشد."

کسانیکه بعد از مادر نسبی مستحق نگهداری طفل هستند:

قبلاً متذکر شدیم که قانون مدنی در درجه اولی مادر نسبی را مستحق حضانت طفل دانسته است مشروط بر اینکه دارای اهلیت حضانت باشد. حالا اگر نظر به دلایلی احیاناً مادر نسبی فاقد اهلیت حضانت شمرده شود و یا بعضی موارد پیش آید که مادر نسبی از مراقبت و پرورش طفل خویش محروم گردد در این حالات اقارب و اشخاص زیر به ترتیبی که قانون مدنی در ماده 239 تصریح نموده است مستحق حضانت طفل شناخته می‌شود: "زنانیکه حق حضانت طفل را دارند به ترتیب درجه اشخاص عبارتند از:

1. مادر ، مادر مادر و یا بالاتر از آن.
2. مادر پدر.
3. خواهر اعیانی .(خواهری که با سایر برادران وخواهران از یک پدر و مادر باشد).
4. خواهر اخیافی. (خواهر که توسط مادر به شخص منسوب گردد).

ادامه در صفحه ۳

### مفهوم ، ویژه کی ها و تاریخچه

### مختصر قانون اساسی در افغانستان

تتبع نگارش: سید نجیب الله «قبادی»

اسلام نمایند؛ چون دین مقدس اسلام زمانی ارزانی گردید که بشر در مرحله قابل توجه رشد فکری رسیده بود و پیچیدگی روز افزون زندگی اجتماعی نیز ایجاب آنرا می نمود، لذا احکام و دستاویز این آئین جاوید، همیشگی و ماندگار می باشد. جاویدانگی دین مقدس اسلام اقتضا می نماید که انسان ها، خصوصاً مسلمانان، همواره آنرا سرلوحه امور زندگی خود قرار دهند و در تمام ابعاد زندگی خود به آن استناد نمایند. روی همین اصل است که مسئله ضرورت سازگاری قوانین موضوعه که غرض مرفوع ساختن نیاز های فوری ناشی از پیشرفت بشر وضع می گردند، با احکام شرعی، بطور دوامدار در کشور های اسلامی مطرح می گردد و ایجاب رسیدگی جدی را می نماید.

مردم مسلمان افغانستان از جمله نادر ملت های است که، بنابر پختگی و رشد فکری، در همان آغاز طلوع خورشید اسلام آمادگی پذیرش این آئین آزادی بخش را داشتند و به مجرد درخشش انوار هدایت کننده و سعادت بخش اش، آنرا با کمال میل پذیرفتند و با دل و جان تبعیت کردند. این ملت سرفراز در طول قرن های متمادی در پرتو اشعه تابناک و فرح بخش اسلام زندگی کرده اند و با تمام وجود در راستای تبیین و ترویج ارزش های اسلامی همت گماشته اند و برای دفاع از آن جان ها و مال های بی شماری نثار کرده اند. لذا سزاوار است قوانینی که درین کشور وضع می شود با مقدسات و احکام اسلامی سازگاری داشته باشند.

در کشور عزیز ما افغانستان، همزمان با کسب استقلال و بنیادی از نیازها، و ایجابات عصر، از ابتدای قرن سیزدهم هجری شمی، روند تصویب و وضع قوانین، از جمله قانون اساسی، آغاز می گردد. درین مقاله سعی می نمائیم تا ضمن ارایه تعریف ساده و عام فهم از قانون اساسی، به ویژه کی ها و تفاوت های آن با قوانین عادی اشاره نموده و نیز تصویر مجملی از پیشینه تاریخی آن در افغانستان، ترسیم نمائیم.

از آنجائیکه مخاطب اصلی این نوشته عامه مردم می باشد، تا حد ممکن تلاش شده است که مطالب مورد نظر خیلی ساده و با تعمق و ژرفکوی کمتر نگاشته شود. در کنار آن، این نوشته، مثل سایر مقالات بنده، به هیچ وجه کامل نبوده و فقط با دیدگاه ها، انتقادات و ابرازنظری خیرخواهانه تمام خوانندگان ارجمند، بخصوص اهل تحقیق و تفحص، عاری از کمی و کاستی نسبی خواهد شد.

ادامه در صفحه ۳